



دوره‌های یادگیری؛ جامع

بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی آموزش شیمی در تابستان سال ۱۳۹۹ و از ۲۳ تا ۲۷ تیرماه در شهر کیپ تاون آفریقای جنوبی برگزار خواهد شد. برگزارکنندگان با الهام از این جمله معروف نلسون ماندلا که «آموزش قوی‌ترین جنگ‌افزایی است که می‌توان با آن جهان را تغییر داد» در پی برگزاری همایشی هستند که بتواند با پیوند زدن تحقیق و تدریس معلمان و مدرسان شیمی در سراسر جهان به یک دیگر به این دیدگاه جامه عمل بپوشاند. در این بزرگ‌ترین همایش جهانی آموزش شیمی ده زمینه برای دریافت مقاله به پژوهشگران این عرصه معرفی شده است. ۱. برنامه درسی و تفکر سیستمی در آموزش شیمی (با تأکید به وسعت و توالی مفاهیم و عمق تدریس آن‌ها)، ۲. شناخت (مطالعه و به‌کارگیری نظریه‌های مختلف یادگیری در آموزش شیمی)، ۳. بافتار و گوناگونی در آموزش شیمی (با تأکید بر بهره‌گیری از کاربردها به عنوان نقطه آغازی برای یادگیری)، ۴. آموزش معلمان، توسعه (حرفه‌ای) و جامعه‌های یادگیری، ۵. دانش معلمی (به‌ویژه دانش موضوعی-تربیتی)، ۶. ارزشیابی، ۷. کار عملی در شیمی (به‌ویژه در دورانی که گسترش روزافزون شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای و فناوری‌هایی چون واقعیت مجازی هم‌زمان با کاهش چشم‌گیر هزینه‌ها به چشم‌پوشی از اجرای فعالیت‌های عملی در آزمایشگاه دامن زده است)، ۸. پیوند زدن شیمی با صنعت (با تأکید بر آگاهی بخشیدن به شهروندان پیرامون صنایع شیمیایی و مفاهیم مرتبطی چون اخلاق حرفه‌ای و شیمی سبز)، ۹. شیمی و محیط زیست، ۱۰. مدلسازی در تدریس شیمی (همان کاری که در کشورمان با نام «الگوهای برتر تدریس» شناخته می‌شود و به جای تأکید بر بُعد آموزشی آن، ماهیتی رقابتی یافته است). ویژگی مشترک و برجسته محورهای این کنفرانس پافشاری بر هماهنگ بودن با فعالیت‌های جامعه بین‌الملل و تأکید بر آموزش شهروندان (بخوانید ترویج علم و آموزش همگانی) است.

<https://www.icce2020.org.za>



در میان این زمینه‌ها محور چهارم به آموزش معلمان و به مفهومی چون «جامعه یادگیری» اشاره می‌کند؛ رویکردی کمتر شناخته‌شده که می‌تواند آموزش‌های بدو خدمت و به‌ویژه ضمن خدمت معلمان را به‌طور جدی دگرگون کند.

پیدایش ایده «جامعه یادگیری» به حدود سه دهه پیش (۱۹۹۰ م) برمی‌گردد. در آغاز «جامعه یادگیری» رویکردی میان رشته‌ای به آموزش عالی تلقی می‌شد و سال‌هاست در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا راه‌اندازی شده، طرفدارانی هم یافته است. ولی به‌کارگیری این روش در کشورمان به‌ویژه در تربیت معلم هنوز مورد توجه جدی قرار نگرفته است و به همین منظور، جا دارد که پس از آگاهی از کم و کیف این رویکرد و شناخت کاستی‌ها و برتری‌های آن، رونوشت بومی شده آن را، هم در مدارس و هم در دانشگاه‌های سراسر کشور به معلمان و مدرسان معرفی

کرد و با راه‌اندازی «جامعه یادگیری حرفه‌ای» زمینه‌های مناسب را برای ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه‌ای آنان فراهم کرد. آشکار است که این تلاش‌های محلی می‌تواند در صورت روی‌آوری عمومی، به همه جا گسترش یابد و به سازوکاری خود-بهبودساز برای نظام آموزشی عمومی و عالی کشور تبدیل شود.

«جامعه یادگیری حرفه‌ای» را می‌توان روشی برای پرورش دادن یادگیری مبتنی بر همکاری دانست که طی آن افراد شاغل در یک حرفه خاص، برای مثال معلمی، با هدف‌ها و نگرش‌هایی مشترک تلاشی می‌کنند طی فعالیتی گروهی مبتنی بر تمرین، یادگیری فردی و اشتراکی خود را به اوج برسانند و از این طریق دانش و مهارت‌های حرفه‌ای خود را ارتقا بخشند. این فعالیت را می‌توان دوره‌هایی در نظر گرفت که معلمان در فضایی دوستانه به طرح تجربه‌های حرفه‌ای خود می‌پردازند و از طریق در میان گذاشتن داستان خود با دیگران تجربه یادشده را به نقد می‌گذارند و از این رهگذر ضمن رفع ایرادهای احتمالی و افزایش دانش موضوعی-تربیتی، بر کیفیت تدریس خود نیز می‌افزایند. این تجربه‌ای همچون کلاس‌های تمرین معلمی است، با این تفاوت که تدریس نه توسط یک استاد بلکه توسط چندین استاد و از زاویه‌هایی متفاوت مورد داوری قرار می‌گیرد. روایتی که توسط همکاران با تجربه در جمعی علاقه‌مند طرح شده مورد بررسی موشکافه قرار می‌گیرد و با هر نکته‌ای که بیان می‌شود انگاری زنگاری از آینه کار معلمی برمی‌دارد. به این ترتیب معلم در این جمع با روش پشتیبانی همتایان (همکار به همکار برای یادگیری) ۲، از نقد جمعی عملکرد خود می‌آموزد. کاستی‌های خود را بهتر از پیش می‌بیند و بازخورد دقیق‌تر و درست‌تری از تدریس خود می‌گیرد. بازخوردی که کاربست آن بی‌شک بهبود و اثربخشی بیشتر

سه‌ای در خدمت معلم!

تدریس او را در پی خواهد داشت. افزون بر تأمین این نیازها، حضور در چنین جامعه کوچکی در کنار ایجاد حس وفاداری و تعلق خاطر به گروه، میل به ادامه حضور فعال در جمع، برقراری ارتباط، کمک به دیگران و یادگیری مشارکتی را که از جمله شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان به شمار می‌آید، در عضو تقویت می‌کند. یادگیری حرفه‌ای که سبب افزایش کارایی و اثربخشی معلمان می‌شود، در جامعه‌ای هستنی‌پذیری می‌یابد که همه اعضا به بهسازی پیوسته، مسئولیت مشترک و هم‌راستایی و هم‌سوئی هدف متعهد باشند. اعضای «جامعه یادگیری» برای دستیابی به هدف‌های مشترک درس، کلاس، مدرسه یا نظام آموزشی به یک دیگر پاسخگو هستند و در شرایطی شفاف و قابل اعتماد که بهبودسازی آنان را پشتیبانی می‌کند حضوری پویا دارند.

«جامعه یادگیری» می‌تواند واقعی (چهره‌به‌چهره)، مجازی یا تلفیقی از هر دو باشد و جلسه‌های آن به صورت منظم یا نیمه‌منظم و بیشتر در طول روز تشکیل شود تا اعضا بتوانند به‌طور مستمر در این یادگیری حرفه‌ای مشارکتی شرکت کنند. معرفی ویژگی‌ها و بررسی نقاط ضعف و قوت این رویکرد در این نوشتار نمی‌گنجد و به مجال بیشتری نیازمند است.

در پایان لازم است به نکته مهمی در مورد نام این رویکرد اشاره شود. با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت می‌توان مشاهده کرد که در نوشته‌ها به زبان فارسی عبارت «جامعه یادگیری» برگردانی است که نویسندگان و پژوهشگران ایرانی عرصه آموزش و پرورش برای هر دو عبارت learning society و learning community به کار برده‌اند. این در حالی است که با مراجعه به واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌های معتبر می‌تواند دید که واژه society به گروه خیلی بزرگ‌تری از مردم با گوناگونی چشم‌گیری در ویژگی‌ها، باورها، رفتارها و ... گفته می‌شود که در گستره جغرافیایی بزرگ‌تری زندگی می‌کند و شاید هرگز یکدیگر را هم نبینند؛ در حالی که community از گروه کوچکی از مردم تشکیل شده است که ویژگی‌ها، علاقه‌مندی‌ها، عادت‌ها و منافع مشترک یا مشابه‌ای دارند، در یک مکان مشخص گرد هم می‌آیند، ارتباطات آن‌ها بسیار به هم نزدیک‌تر است و پیوسته با یک دیگر در تعامل هستند. این تعریف در ذهن مخاطب ایرانی کلمه غیررسمی و خودمانی «محلّه» و در مقیاس کوچک‌تر «دوره‌می» را بیشتر به ذهن می‌آورد و به نظر می‌رسد که برای برقراری ارتباط با مخاطب یادشده، معادل بهتری هم نسبت به «جامعه» باشد. به هر روی، به کار بردن واژه فارسی «جامعه» به عنوان معادلی برای این دو کلمه در این بحث نیز چالش‌برانگیز خواهد بود. گفتنی است که در نوشته‌های انگلیسی هم این دو کلمه به اشتباه به جای هم به کار می‌روند.

از نظر نگارنده عبارت «دوره‌می یادگیری» برگردان قابل درک‌تر و قابل لمس‌تری برای عبارت learning community است. ترجمه‌های غیررسمی که این مفهوم را در ذهن فهم‌پذیرتر و دست‌یافتنی‌تر جلوه می‌دهد و با پیش‌فرض برقراری ارتباطی دوستانه و صمیمی در بستری همراه با اعتماد و اطمینان، امکان تبادل اثربخش نظر و تجربه را به خوبی فراهم می‌کند. این از جمله مواردی است که یک کلمه چنان ریشه در ذهن ما دارد که خود بگوید که چون باید کرد. البته قرارداد دادن کلمه دوره‌می در عنوان این نوشتار هم از این بابت بوده است.

شایان گفتن است که در زمینه «جامعه یادگیری» و به‌ویژه «جامعه یادگیری حرفه‌ای» مقاله‌های متعدد و کتاب‌هایی چند در دنیا به چاپ رسیده است ولی منبع خوبی به زبان فارسی در دسترس نیست. تصویر روی جلد برخی از کتاب‌های مطرح در این زمینه در همین صفحه آمده است. امید که با رواج چنین دوره‌می‌هایی در جامعه آموزش شیمی کشور چه در مدرسه‌ها و چه در دانشگاه‌ها هم‌زمان با تلاش برای تأمین منابع علمی لازم، از سودمندی این رویکرد پیشرفته آموزشی و تربیتی بهره‌مند شویم و بتوانیم از این طریق آموزش ضمن خدمت معلمان شیمی کشور را متحول کنیم و گامی تأثیرگذار در بهبود کیفی آموزش شیمی در میهن عزیزمان برداریم.



1. professional learning community (PLC), 2. peer-to-peer support for learning

* بی‌نوشت‌ها

* منابع

1. Lieberman, A.; Miller, L. *Teachers in professional communities: Improving teaching and learning*, Teachers College Press, 2008.
2. McLaughlin, M. W.; Talbert, J. E. *Professional communities and the work of high school teaching*, University of Chicago Press, 2011.